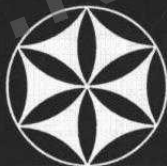


به نام خداوند جان و خرد

پیش از سپیده دم

کشف تاریخ گم‌شده نیاکان ما



انتشارات آریامنا



دانشگاه کاشان



انتشارات آریارمنا

پیش از سپیده دم
کشف تاریخ گمشده نیاکان ما

| نوشته نیکلاس وید | ترجمه جواد حسین زاده ساداتی |
| با همکاری گروه پژوهشی باستان کاوی تیسافرن و دانشگاه کاشان |

| چاپ و صحافی: مهرگان |
| نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۸ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه |
| بها: ۴۰۰۰۰ تومان |

| تارخا: www.aryaramna.ir |

| نامه نگار: aryaramna@hotmail.com, info@aryaramna.ir |

| نشانی: تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵ |

| تلفن: ۰۲۶-۲۱۴۴۸۴۶۰۲۶ همراه: ۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶ |

| همه حقوق این اثر برای انتشارات آریارمنا محفوظ است. |

| تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت،
انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی
و قبلی انتشارات آریارمنا ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان،
مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. |

۸

وید، نیکلاس، ۱۹۴۲-م. Wade, Nicholas
پیش از سپیده دم: کشف تاریخ گمشده نیاکان ما / نوشته نیکلاس وید؛ ترجمه
جواد حسین زاده ساداتی.

تهران: آریارمنا، ۱۳۹۷.
۵۴۴ ص.: مصور: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
978-600-9708-06-2

فیبا : وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: Before the dawn : recovering the lost history of our ancestors.

کتابنامه : یادداشت
کشف تاریخ گمشده نیاکان ما : عنوان دیگر
انسان -- تکامل : موضوع
تکامل اجتماعی : موضوع

حسین زاده ساداتی، جواد، ۱۳۶۴-، مترجم : شناسه افزوده
۱۳۹۷ ۹۶۹/۱ و GN۲۸۱ : رده بندی کنگره
۵۹۹/۹۳۸ : رده بندی دیویی
۵۴۴۹۵۶۸ : شماره کتاب شناسی ملی

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

فهرست

۹.....	مقدمه مترجم.....
۱۵.....	ژنتیک و پیدایش.....
۳۷.....	دگردیسی.....
۸۱.....	نخستین واژه‌ها.....
۱۱۱.....	بهشت.....
۱۵۱.....	خروج.....
۱۹۵.....	ایستایی.....
۲۳۵.....	اسکان.....
۲۶۱.....	جامعه‌گرایی.....
۳۳۵.....	نژاد.....
۳۶۹.....	زبان.....
۴۲۵.....	تاریخ.....
۴۷۵.....	فرگشت.....
۵۰۱.....	پی‌نوشت‌ها.....

مقدمه مترجم

طبیعت یا تربیت^۱؟

سال‌ها و دهه‌ها و سده‌ها و هزاره‌هاست که بزرگ‌ترین متفکران و فیلسوفان و دانشمندان، ذهن و زمان خود را صرف این کرده‌اند که آیا انسان‌ها به مانند موم نرم و لوح سپیدی پا به عرصه وجود می‌گذرانند و جامعه به هر شکل که بخواهد و بتواند، به آنها شکل داده و نقش و طرح خود را بر آنها می‌اندازد؛ یا اینکه اوضاع به قراری دیگر است و انسان به هنگام قدم گذاشتن در این دنیای مادی، پر است از استعدادها و پتانسیل‌های ذاتی و غریزی، که نه تنها ویژگی‌های بیولوژیک او مانند قد و هیکل، رنگ مو، رنگ چشم، حالت صورت، تناسب اندام، هماهنگی عصبی-عضلانی و کیفیت اندام‌های بدنی و غیره، را تعیین می‌کند، بلکه حتی ممکن است در تعیین برخی وضعیت‌های فرهنگی و اجتماعی آینده او -مانند داشتن استعدادها و ذاتی در ریاضیات، هنر، ورزش، سخنوری، هوش عمومی و غیره- نیز نقش داشته باشد. آنچه که از مدارک باستان‌شناختی و تاریخی برمی‌آید، به نظر این موضوع نه تنها مشغله ذهنی دانشمندان امروزی و اندیشمندان دوران روشنگری و فیلسوفان یونان باستان بوده، بلکه حتی فکر حاکمان مصر باستان را نیز به خود مشغول داشته است. گرچه در طول تاریخ، تقریباً همیشه کفه ترازو به نفع طرفداران لوح سفید سنگینی کرده است، اما شاید ورق در حال برگشتن باشد و زمان آن رسیده باشد که جانی هم به تن طرفداران نظریه استعدادهای ذاتی و غریزی ببفتد.

^۱ Nature or Nurture

سده بیستم به‌ویژه نیمه دوم آن، از جمله برهه‌های تاریخی بوده که به قول معروف "تاریخ شتاب گرفت"^۲؛ شاخه‌های نورسته دانش، طی کمتر از یک سده، چنان عرصه‌های ناشناخته عالم صغیر و کبیر را در نوردیدند که حتی منادیان علم‌دوست دوران نوزایی و روشنگری نیز خواب آن را نمی‌دیدند. طی نیمه دوم سده بیستم، تغییرات پارادایمی^۳ که تقریباً در تمامی عرصه‌های علمی و به ویژه علوم مرتبط با انسان -از ژنتیک گرفته تا انسان‌شناسی و نخست‌شناسی^۴ و باستان‌شناسی و تاریخ و روان‌شناسی و زبان‌شناسی و رفتارشناسی و غیره - رخ داد، باعث گشوده شدن عرصه‌های پژوهشی نوین به روی دانشمندان شد. پدیده مهم دیگری که در این میان به کمک آمد، هم‌افزایی این شاخه‌های علمی نورسته با علوم جافتاده‌تر بود، که منجر به پیدایش و توسعه آن دسته از پژوهش‌ها و مطالعاتی شد که امروزه از آنها با عنوان پژوهش‌ها یا مطالعات میان‌رشته‌ای^۵ یاد می‌شود. مهم‌ترین ثمره ترکیب این دو فرایند، پیدایش تصویری جدید از انسان بود: دیگر «انسان بودن» مسئله نبود، بلکه «انسان شدن» به مسئله اصلی پژوهشگران مبدل شد. این تغییر نگاه نسبت به انسان، باعث شد تا سرانجام دیدگاه فرگشتی^۶، از حاشیه‌های عرصه شناخت انسان، به کانون دیدگاه‌های موجود نقل مکان کند؛ به نحوی که امروزه نه تنها زیست‌شناسی فرگشتی^۷ خود را به برترین شاخه زیست‌شناسی برکشیده است بلکه شاهد پیدایش و بالیدن شاخه‌هایی مانند انسان‌شناسی فرگشتی^۸، باستان‌شناسی فرگشتی^۹، زبان‌شناسی فرگشتی^{۱۰}، روان‌شناسی

² Accelerating of History

³ Paradigm Shifts

⁴ Primatology

⁵ Interdisciplinary Researches

⁶ Evolutionary Perspective

⁷ Evolutionary Biology

⁸ Evolutionary Anthropology

⁹ Evolutionary Archaeology

¹⁰ Evolutionary Linguistics

فرگشتی^{۱۱} و حتی اقتصاد فرگشتی^{۱۲} نیز هستیم که هر کدام به زعم خود در حال تلاش برای روشن کردن ابعادی از فرایند «انسان شدن» هستند.

در این کتاب نیکلاس وید، با بهره‌گیری از طیف متنوعی از علوم و شاخه‌های علمی مرتبط با انسان، که فصل مشترک همه آنها فرگشت‌مدارانه بودنشان است، به مسئله «انسان شدن» پرداخته است. وید اطلاعات و یافته‌های کاملاً تازه و دست اول این شاخه‌ها را حول محور ژنتیک بنا کرده و با ترکیب ناب و بدیع این دست‌آوردها، به نتایجی نایل شده که کمتر منتقدی برای تسلیم نشدن در مقابل آن است. وی که سال‌ها سرمقاله‌نویس و سروراستار مجله‌هایی چون ساینس^{۱۳}، نیچر^{۱۴} و نویسنده بخش علمی روزنامه نیویورک تایمز بود، به قلمی شیوا و با تسلطی جامع به طیف گسترده‌ای از علوم و موضوعات علمی، که حاصل سال‌ها تجربه وی در نگارش جدیدترین یافته‌های علمی در معتبرترین انتشارات دنیا است، چنان استادانه شواهد علمی را از تاریخ و جغرافیای تن انسان گرد آورده که غول‌های علمی چون ادوارد او. ویلسون^{۱۵} و جیمز واتسون^{۱۶} را به تحسین واداشته است. وید در این کتاب تلاش کرده تا با پیوند تحولات زیستی-فرهنگی دوره‌های ژرف‌تر تاریخ بشر با دوره‌های جدیدتر، نشان دهد که نه تنها سازوکارهای انتخاب طبیعی^{۱۷}، در گذشته‌های دور بشر متوقف نشده، بلکه به احتمال این سازوکارها یکی از اصلی‌ترین عوامل در شکل دادن به وضعیت تاریخی-اجتماعی امروز بشر است. وید با گواه گرفتن مدارک و شواهد علمی مختلف به‌ویژه شواهد ژنتیکی، در بخش دوم

^{۱۱} Evolutionary Psychology

^{۱۲} Evolutionary Economics

^{۱۳} Science

^{۱۴} Nature

^{۱۵} Edward O. Wilson

واضع علم سوسیوبیولوژی و یکی از برجسته‌ترین دانشمندان سده بیستم.

^{۱۶} James Watson

کاشف ساختار مارپیچ دبله دی‌ان‌ای و برنده جایزه نوبل زیست‌شناسی ۱۹۶۲ به همراه فرانسیس کریک.

^{۱۷} Natural Selection

کتاب تلاش کرده تا نشان دهد که پدیده‌هایی مانند پیدایش زبان، پیدایش هنر، پیدایش دین، یکجانشینی و اهلی کردن به واسطه یک‌سری پیش‌سازگاری‌های^{۱۸} ژنتیکی صورت گرفته است. وی حتی برخی از الگوهای رفتاری و فرهنگی کاملاً مدرن مانند توانایی هضم لاکتوز در برخی از جمعیت‌های اوراسیا و آفریقا، و یا استعداد گروه خاصی از مردمان غرب آفریقا در مسابقات دو سرعت و گروه خاصی از مردمان شرق آفریقا در مسابقات دو استقامت را نیز در گرو داشتن سخت‌افزارهای ژنتیکی-زیستی متناسب می‌داند که به واسطه نرم‌افزارهای فرهنگی راه‌اندازی و تقویت شده، و شرایط بروز آنها فراهم می‌آید.

کتاب حاضر یکی از صدها کتابی است که طی دو یا سه دهه گذشته، با نگاه فرگشت-مذارانه^{۱۹}، در مورد نقش عوامل ژنتیکی و زیستی در تعیین الگوهای رفتاری بشر نگاشته شده و شواهد فراوانی را در تایید این نظر گرد آورده است. انتشار روزافزون چنین کتاب‌هایی که دربردارنده شواهد و مدارک غیرقابل انکاری از نقش میراث ژنتیکی-زیستی در تعیین ماهیت انسان و جوامع انسانی هستند، تلنگری است به متخصصان و پژوهشگران عرصه شناخت انسان-از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی گرفته تا روان‌شناسی و تاریخ- که شاید وقت اعتراف آن رسیده باشد که عوامل ژنتیکی-زیستی نیز نقش غیرقابل اغماضی در تعیین وضعیت کنونی بشر ایفا کرده است و به‌احتمال در آینده نیز چنین است.

برگردان این کتاب به فارسی میسر نبود، اگر همکاری دوستان و همکاران نبود. از همگی آنان که در برگردان این اثر نقش داشته‌اند، سپاسگزارم. از دکتر ایمان مصطفی‌پور سپاسگزارم که ویراستاری کتاب را با دقتی خاص بر عهده گرفت. از سرکار خانم زهره فخاری به خاطر خواندن نسخه خام برگردان و اصلاح ایرادهای نگارشی سپاسگزارم. از دانشجویان خوب گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان، به‌ویژه خانم‌ها فاطمه توازیانی، ناهید امینیان، فاطمه کفاش، دلارام کاظمی، ارغوان باغبان و زهرا محبوبی که فصل‌های مختلف برگردان کتاب را روخوانی کرده و ایرادهای نگارشی را گوشزد کردند، سپاسگزاری می‌کنم. از شورای پژوهشی دانشگاه

¹⁸ Preadaptation¹⁹ Evolutionary

کاشان سپاسگزارم که اجازه چاپ کتاب را از طریق انتشارات دانشگاه کاشان میسر کردند. از دو استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسن فاضلی، نشلی و دکتر حامد وحدتی نسب که نسخه‌های نهایی را بازنگری کردند و نیز از دوست ارجمند جناب آقای شاهین آریامنش سپاسگزارم که شرایط چاپ و انتشار کتاب را بر عهده گرفتند. قطعاً مشارکت دوستان و همکاران بر محسنات برگردان کتاب افزوده و همه کاستی‌های آن، که کم نیستند، بر عهده برگرداننده بوده و هست.

شرحی کوتاه بر تضاد کاذب میان دیدگاه فرگشتی و دیدگاه‌های دینی در مورد انسان یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی اهالی علم و دانش و نیز نهادهای علمی و دولتی در همه جای دنیا و البته ایران، تضاد کاذبی است که به نظر می‌رسد میان دیدگاه‌های فرگشتی، به‌ویژه دیدگاه فرگشتی در خصوص پیدایش انسان و دیدگاه‌های دینی و مذهبی در خصوص خلقت انسان وجود دارد. در کنار تمامی مسایلی که متدینان و مؤمنان به ادیان الهی، در خصوص آن بحث و نظر داند، دو مسئله بیش از مسایل دیگر مورد توجه است. نخست اینکه آیا خلقت انسان امری تدریجی بوده، یا به صورت دفعی رخ داده است. در خصوص این پرسش باید گفت که بر اساس آموزه‌های الهی و همچنین بر اساس آیاتی که کتب مقدس ابراهیمی، به‌ویژه قرآن آمده است، می‌توان برای هر دو وجه از خلقت، مثال‌هایی را از میان آیات الهی برهان آورد. به عبارت دیگر در قرآن که بالاترین منبع شناخت در نزد مسلمانان است، هم می‌توان آیاتی را یافت که بر اساس تفسیر علمای بزرگی همچون علامه طباطبایی و آیت‌الله شهید مرتضی مطهری بر تدریجی بودن خلقت دلالت دارند و هم می‌توان آیاتی را مثال زد که بیشتر بر دفعی بودن خلقت انسان دلالت دارند. از این‌رو به نظر نمی‌رسد که در این جنبه از مباحث، دست‌کم در باورهای اسلامی و به‌ویژه باورهای شیعی، تضادی واقعی و جدی میان دیدگاه‌های فرگشتی و دینی وجود داشته باشد. اما نکته دوم و البته اساسی‌تر و مهم‌تری که در این میان وجود دارد آن است که آیا می‌باید اساساً هر کشف و نظریه علمی که صورت می‌پذیرد را با باورهای مذهبی و دینی سنجید و در صورت وجود تباین میان آنها، به رد یکی و تأیید دیگری، رای داد؟ به نظر یکی از مهملک‌ترین رفتارهایی که در طی چند سده گذشته در مغرب زمین، و طی یکی دو دهه گذشته در ایران صورت گرفته همین

قضایات‌های نادرست باشد. حال چرا نادرست؟ زیرا ماهیت و سرشت باورهای مذهبی و دینی نسبت به ذات و سرشت باورهای علمی و دانشگاهی کاملاً متفاوت است، و مقایسه کردن و سنجیدن آنها با یکدیگر کاری کاملاً خام و ناسنجیده است. باورهای مذهبی و دینی که برآمده از آیات الهی و آموزه‌های پیامبران است، نه برای کشف و حل معادلات و محاسبات ریاضی و فیزیک و شیمی، بلکه برای نشان دادن راه درست زندگی و رستگاری در این جهان و دنیای پس از مرگ آمده‌اند؛ اما از آن طرف نهاد دانشگاه و علم در معنای مدرن آن، صرفاً و صرفاً برای کشف ابعاد ناشناخته دنیای مادی و حل معماها و معادلات موجود در این دنیا پدید آمده است. نکتهٔ بس مهمی که در اینجا وجود دارد آن است که تقریباً تمامی نظریات علمی و دانشگاهی، از علوم فیزیکی و زیستی گرفته تا علوم اجتماعی و انسانی، به طور دایم در حال تغییر و اصلاح و پیرایش هستند و این فرآیند نقطهٔ پایانی نمی‌شناسد. به عبارت دیگر در عرصهٔ علم هیچ نظریهٔ نهایی و کاملی وجود ندارد که حقیقت مطلق و مسلم را بیان داشته و حرف آخر را بزند. ازاین‌رو اگر فرض مثال و به طور کاملاً فرضی در نظر بگیریم که نظریهٔ نسبیت اینشتین به‌صراحت در یکی از آیات یا سوره‌های قرآن و یا هر کتاب مقدس و الهی دیگر آمده است و این را دستاویزی برای حقانیت آنها در نظر بگیریم، آنگاه اگر در آینده یافته‌های جدید، از نظریهٔ نسبیت پشتیبانی نکرد و منجر به رد آن شد، آنگاه مدعیان این حرف چه خواهند کرد؟ آیا رد شدن نظریهٔ نسبیت را رد آیات الهی و کتب دینی در نظر خواهیم گرفت؟ همان‌طور که دیده می‌شود، برقرار کردن چنین تناظرهایی و قیاس کردن باورهای دینی و مذهبی با نظریه‌های علمی و دانشگاهی تا چه اندازه می‌تواند چالش برانگیز و خطرناک باشد. ازاین‌رو صاحب این قلم در همین ابتدا به تمامی مخاطبان این کتاب، صادقانه پیشنهاد می‌کند که از برقرار کردن چنین مقایسه‌ها و استنباط‌های مع الفارق و نادرستی بپرهیزند و استقلال دو ساحت مقدس دین و علم را پاس بدارند.

جواد حسین‌زاده ساداتی

۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۷ خورشیدی، کاشان